

قرائت قرآن در چهارده روایت و تضمین حافظ

علی سعیدی^۱

چکیده:

خواجه شمس الدین محمد شیرازی مشهور به حافظ از بزرگترین شاعران ادب پارسی است. او در قرن هشتم هجری می زیسته است. در زمان او علم قرائت قرآن یکی از علوم رایج بوده است. وی علاوه بر شاعری، ملک القراء، استاد قرائت و مفسر قرآن بوده است. او هم چنین به اختلاف قرائات قاریان قرآن آگاه بوده و قرآن مجید را از حفظ در چهارده روایت از روایان قرآء سبعه قرائت می کرده است. در این مقاله، سیر تطور و تدوین قرائات قرآء قرآن و شخصیت قرآن پژوهی حافظ به طور مختصر مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی:

قرآن، حافظ، قاری، قرائت، روایت، قرآء سبعه، راویان چهارده گانه

طرح مسأله:

خواجه شمس الدین محمد شیرازی مشهور به حافظ (۷۲۷-۷۹۱ یا ۷۹۳ ق) یکی از بزرگترین شاعران ادب پارسی است. او علاوه بر شاعری، مردی عارف، عالم ادبی و

۱- استادیار دانشگاه پیام نور مرکز ساوه

دینی، مفسر و حافظ قرآن کریم بوده و خود به این معنی اشاره نموده است:

ندیدم خوشتر از شعر تو حافظ
به قرآنی که اندر سینه داری
او با کتاب قرآن همیشه، انس داشته است:

حافظا در کنج فقر و خلوت شبهای تار تابود وردت دعا و درس قرآن غم مخور
حافظ یادآوری نموده که سرمایه کارش، قرآن است:

صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم
حافظ هم چنین سروده است:

عشقت رسد به فریاد ار خودبسان حافظ قرآن زبر بخوانی در چارده روایت^۱

مراد حافظ از قراءت قرآن در چهارده روایت در بیت مذکور چیست؟ مقاله حاضر

پژوهشی در این باره است.

آگاهی یافتن براین مطلب، وابسته به بیان پیدایش قراءات گوناگون از قرآن و سیر

تطور و تدوینشان در طی قرون است.

قراءت قرآن:

پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) بعد از آنکه از سوی پروردگار جهانیان،

توسط جبرئیل به رسالت مبعوث شد آیات قرآنی را برای مردم تلاوت می نمود.

رسول اکرم (ص) مسلمانان را به فراگرفتن و از برکردن و نوشتن قرآن تشویق می

کرد، گروهی از یاران آن حضرت به عنوان کاتبان وحی آیات قرآنی را می نوشتند. پیامبر

اسلام تلفظ صحیح کلمات و قراءت آیات را خود دقیقاً به کاتبان قرآن می آموخت و به

آنها دستور می داد آنچه را که نوشته اند براو بخوانند و افرادی که قرآن را به درستی از نبی

اکرم آموخته بودند شایستگی تعلیم به دیگران را داشتند (صبحی صالح، مباحث فی علوم

القرآن صص ۱۰۰، ۹۲)

معلم قرآن در صدر اسلام:

هفت تن از صحابه پیامبر به عنوان معلم قرآن و استاد قراءت شهرت داشتند که

۱- ایات فوق الذکر برگرفته شده از دیوان حافظ مصحح علامه محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی است.

عبارتند از: اُبی بن کعب (م ۲۰ ق)، عبدالله بن مسعود (م ۳۲ ق)، ابوالدرداء عویمر بن زید (۳۲ ق)، عثمان بن عفان (م ۳۵ ق)، علی بن ابی طالب علیه السلام (م ۴۰ ق)، ابوموسی اشعری (م ۴۴ ق) زید بن ثابت (م ۴۵ ق)، (ذهبی، معرفه القراء الکبار صص ۲۴، ۴۲) علاوه بر این افراد، عده ای دیگر از مسلمین به آموزش قرآن برای حفظ و قرائت اهتمام داشتند. واقدی گفته است: در میان انصار هفتاد نفر مرد جوان دیده می شدند که به قرآن موسوم بودند و به هنگام شب به ناحیه ای از مدینه می آمدند و به تعلیم قرائت می پرداختند و نماز می خواندند (المغازی ۱/ ۳۴۷)

چهل نفر از قرآن و حفاظ قرآن کریم در سال چهارم هجری در فاجعه بئر معونه شهید شدند و شهادت آنان پیامبر اسلام و مسلمانان را سخت اندوهگین ساخت (سبحانی، فروغ ابدیت ۲/ ۸۶)

قاریان عصر تابعین:

تابعین، قرائت قرآن را از صحابه پیامبر اسلام فرا گرفتند و گروهی از آنان در پاره‌ای از شهرها استاد قرائت شدند که ذیلاً به آنها اشاره می شود:

مدینه: معاذ بن حارث معروف به معاذ القاری (م ۶۳ ق)، سعید بن مسیب (م ۹۴ ق)، عروه بن زبیر (م ۹۵ ق)، عمر بن عبدالعزیز (م ۱۰۱ ق)، عطاء بن یسار (م ۱۰۳ ق)، سالم بن عبدالله بن عمر (م ۱۰۶ ق)، سلیمان بن یسار (م ۱۰۷ ق)، مسلم بن جندب (م ۱۱۰ ق)، عبدالرحمن بن هرمز اعرج (م ۱۱۷ ق)، محمد بن مسلم بن شهاب زهری (م ۱۲۴ ق) و زید بن اسلم (م ۱۳۰ ق)

مکه: عیید بن عمیر (م ۷۴ ق)، مجاهد بن جبر (م ۱۰۳ ق)، طاوس بن کیسان (م ۱۰۶ ق)، عطاء بن ابی رباح (م ۱۱۵ ق)، عبدالله بن ابی مُلیکه (م ۱۱۷ ق)، و عکرمة مولی ابن عباس (م ۱۰۵ ق)

کوفه: عمرو بن شَرَحِبیل (م ۶۳ ق)، علقمه بن قیس (م ۶۱ ق)، مسروق بن اجدع (م ۶۳ ق)، عیید بن عمرو سلمانی (م ۷۲ ق)، ابو عبدالرحمن عبدالله بن حبیب سُلمی (م ۷۴ ق)، اسود بن یزید نخعی (م ۷۵ ق)، عمرو بن میمون (م ۷۵ ق)، عیید بن فُضَیله (م حدود ۷۵ ق)، زربن حُیث (م ۸۲ ق)، ربیع بن خثیم (م قبل از ۹۰ ق)، سعید بن جُبیر (م ۹۵ ق)، ابراهیم بن یزید نخعی (م ۹۶ ق)

ق)، عامر بن شراحیل شعبی (م ۱۰۵ ق) و حارث بن قیس جعفی.
 بصره: عامر بن عبد قیس (م حوالی ۵۵ ق)، ابوالعالیه رفیع بن مهران ریاحی (م ۹۰ ق)،
 یحیی بن یعمر عدوانی (م ۹۰ ق)، نصر بن عاصم لیثی (م قبل از ۱۰۰ ق)، ابورجاء
 عطاردی (م ۱۰۵ ق)، حسن بصری (م ۱۱۰ ق)، محمد بن سیرین (م ۱۱۰ ق)، قتاده بن
 دعامه (م ۱۱۷ ق)، معاذ بن معاذ عنبری (م ۱۱۶ ق) و جابر بن زید ازدی
 شام: مغیره بن ابی شهاب مخزومی (م بعد از ۷۰ ق) و خلیفه بن سعد (فضلی، القراءات
 القرآنیة صص ۲۴، ۲۵)

ائمہ قرائت:

پس از دوره صحابه و تابعین، گروهی از قراء با اشتیاق و عنایت تمام به ضبط قراءت
 قرآن پرداختند و عمر خود را در این راه صرف نمودند تا اینکه در این زمینه امام در فن
 قراءت گردیدند و مردم به آنها اقتداء نمودند و از بلاد خود برای تعلّم قراءت قرآن به
 محضرشان بارسفر می بستند، اسامی آنها در شهرهای مختلف عبارتند از:

مدینه: ابوجعفر یزید بن قعقاع (م ۱۳۰ ق) سپس شیبّه بن نصاح (م ۱۳۰ ق) سپس نافع
 بن ابی نعیم (م ۱۶۹ ق)

مکه: عبدالله بن کثیر (م ۱۲۰ ق)، حمید بن قیس اعرج (م ۱۳۰ ق) و محمد بن مُحیسن (م ۱۲۳ ق)
 کوفه: یحیی بن وثّاب (م ۱۰۳ ق)، عاصم بن ابی النّجود (م ۱۲۷ ق)، سلیمان بن
 مهران مشهور به اعمش (م ۱۴۸ ق) سپس حمزه (م ۱۵۶ ق) سپس کسائی (م ۱۸۹ ق)
 بصره: عبدالله بن ابی اسحاق (م ۱۲۹ ق)، عیسی بن عمر (م ۱۴۹ ق)، ابو عمرو بن علاء (م ۱۵۴ ق)،
 عاصم جُحدری (م ۱۲۸ ق) سپس یعقوب حَضرمی (م ۲۰۵ ق)

شام: عبدالله بن عامر (م ۱۱۸ ق)، عطیّه بن قیس کلابی (م ۱۲۱ ق)، اسماعیل بن
 عبدالله بن مهاجر سپس یحیی بن حارث ذماری (م ۱۴۵) سپس شُرّیح بن یزید حَضرمی (م
 ۲۰۳ ق) (ابن الجزری، النشر فی القراءات العشر ۸/۱، سیوطی، الاتقان ۱/۲۰۵، طاش
 کپری زاده مفتاح السعادة ۲/۲۵، فضلی، القراءات القرآنیة ص ۲۶)

قرآء سبعه:

در قرن دوم هجری عده ای از قاریان قرآن در میان مسلمین نسبت به سایر قرآء، شهرت و مقبولیت بیشتری کسب کردند، این دسته از قاریان که برخی از آنها از تابعین یا شاگردان تابعین بودند. «قرآء سبعه» را تشکیل می دهند

گروهی با واسطه و بی واسطه از آنان روایت قراءت نموده اند، اسامی قرآء سبعه و هم چنین دو نفر از راویان مشهور هر یک بر حسب سال وفات بشرح زیر است:

۱- عبدالله بن عامر دمشقی (۸-۱۱۸ ق) قراءت را بر مغیره بن ابی شهاب خواند، رئیس اهل مسجد در زمان ولید بن عبدالملک بود و بعد از بلال بن ابی الدرداء قاضی دمشق شد. برای او دو راوی، با واسطه است که قراءت او را روایت کرده اند:

أ- هشام بن عمار (۱۵۳-۲۴۵ ق) قراءت را عرضاً از ایوب بن تمیم اخذ کرد

ب- عبدالله بن احمد مشهور به ابن ذکوان (۱۷۳-۲۴۲ ق) قراءت را عرضاً از ایوب

بن تمیم فراگرفت

۲- عبدالله بن کثیر مکی (۴۵-۱۲۰ ق) قراءت را عرضاً از عبدالله بن سائب و

مجاهد بن جبر و ارباس مولی عبدالله بن عباس اخذ کرد و دو راوی با واسطه برای قراءت اوست:

أ- احمد بن محمد بن عبدالله معروف به بزّی (۱۷۰-۲۵۰ ق) قراءت را از احمد بن محمد

بن علقمه معروف به قوأس و وهب بن واضح مکی و عبدالله بن زیاد مکی فرا گرفت.

ب- محمد بن عبدالرحمن معروف به قُبیل (۱۹۵-۲۹۱ ق) قراءت را عرضاً از احمد

بن محمد بن عون و بزّی اخذ کرد

۳- عاصم بن ابی النّجود کوفی (۷۶-۱۲۷ ق) قراءت را عرضاً از ابو عبدالرحمن عبدالله

بن حبیب سلمی و زرّبن حُبیش و ابو عمرو شیبانی اخذ کرد و دو راوی قراءت او را بلاواسطه روایت کرده اند:

أ - حفص بن سلیمان اسدی (۹۰-۱۸۰ ق) قراءت را از عاصم فرا گرفت

- ب- ابوبکر شعبه بن عیاش (۹۰-۱۹۳ ق) قراءت را عرضاً از عاصم^۱ و عطاء بن سائب و اسلم منقری اخذ کرد.
- ۴- ابو عمرو بن علاء بصری (۶۸-۱۵۴ ق) قراءت را از مجاهد، عطاء بن ابی رباح، عکرمة، سعید بن جبیر، حسن بصری و ابوجعفر یزید بن قعقاع فرا گرفت و دو نفر قراءت او را بواسطه شاگردش یحیی بن مبارک روایت کرده اند:
- أ - حفص بن عمرو بن عبدالعزيز مشهور به دوری (م ۲۴۶ ق) قراءت را عرضاً از یحیی بن مبارک اخذ کرد.
- ب- صالح بن زیاد مشهور به ابوشعیب سوسی (۱۹۰ - ۲۶۱ ق) قراءت را عرضاً از یحیی بن مبارک فرا گرفت
- ۵- حمزه بن حبيب زیات کوفی (۸۰-۱۵۶ ق) قراءت را عرضاً از سلیمان بن مهران مشهور به اعمش، حمران بن اعین، محمد بن عبدالرحمن بن ابی لیلی، طلحة بن مصرف، مغیره بن مقسم، لیث بن ابی سلیم و امام صادق علیه السلام فرا گرفت. راویان قراءتش دو نفر با واسطه هستند:
- أ- خلف بن هشام بزاز بغدادی (۱۵۰-۲۲۹ ق) قراءت را با واسطه سلیم از حمزه اخذ کرد
- ب- خالد بن خالد کوفی (۱۴۲-۲۲۰ ق) قراءت را عرضاً از سلیم فرا گرفت.
- ۶- نافع بن عبدالرحمن مدنی (۷۰-۱۶۹ ق) قراءت را عرضاً از بعض تابعین مدینه فرا گرفت و دو نفر قراءتش را بی واسطه از او روایت کرده اند:
- أ - عیسی بن مینا ملقب به قالون (۱۲۰ - ۲۲۰ ق) قراءت را از نافع فرا گرفت.
- ب - عثمان بن سعید مشهور به ورش (۱۱۰-۱۹۷ ق) قراءت را از نافع یاد گرفت.
- ۷- علی بن حمزه کوفی مشهور به کسائی (۱۱۹-۱۸۹ ق) قراءت را عرضاً از حمزه

۱- عاصم گفته است: قراءتی را که من برابر ابوبکر بن عیاش اقرار کرده ام آنرا از زر بن حبیش اخذ کرده ام و او آنرا از عبدالله بن مسعود فرا گرفته است (خوئی، البیان، ص ۱۳۰). مولی فتح الله کاشانی متن تفسیر منهج الصادقین و خلاصه منهج را بر مبنای قراءت عاصم به روایت ابوبکر بن عیاش قرار داده است و استاد بزرگوار حضرت آیه الله حسن زاده آملی موارد اختلاف دروای عاصم را در کتاب هزار و یک نکته، نکته ۳۳۸ ذکر کرده است.

زیات، محمد بن عبدالرحمن بن ابی لیلی، عیسی بن عمر، ابی بکر بن عیاش و امام جعفر صادق علیه السلام فرا گرفت و دو نفر قرائت کسائی را از او بلاواسطه روایت کرده اند:
 أ - حفص بن عمرو دوری (شرح حال او در ضمن گفتگو از راویان ابوعمرو بن علاء گذشت)

ب- لیث بن خالد (م ۲۴۰ ق) قرائت را عرضاً از کسائی فرا گرفت (ابوعمرو دانی، التیسیر فی القراءات السبع صص ۱۰-۴، طباطبائی، قرآن در اسلام، صص ۱۲۴-۱۲۳، خوئی، البیان صص ۱۴۲-۱۲۶، حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم صص ۳۴۹-۳۱۳، معرفت، التمهید صص ۲۰۱-۱۸۶، سزگین، تاریخ نگارش های عربی ۳۸/۱-۱۴۸)

ابونصر فراهی در کتاب نصاب اسامی قراء سبعة را همراه با نام بلادشان به نظم در آورده است
 استاد قرائت بشمرینج و دو پیر بوعمرو و علاء و نافع و ابن کثیر
 پس حمزه و ابن عامر و عاصم را از جنس کسائی شمرو هفت بگیر
 در مکه ابن کثیر است امام نافع ز مدینه، ابن عامر از شام
 در بصره ابو عمرو و علاء دارد نام عاصم چو کساء و حمزه از کوفه

اولین کسی که قرائت قراء سبعة را همراه با دو راوی در یک جا گردآوری کرد ابوبکر احمد بن مجاهد (۲۴۵-۳۲۴ ق) بود و نام کتابش را «السبعة فی القراءات» نام نهاد.
 قرآن رائج کنونی در ایران و بسیاری از کشورهای اسلامی، قرائت عاصم به روایت حفص است و حفص خود گفته است که عاصم به من گفت: قرائتی را که من بر تو اقراء کردم، قرائتی است که آنرا از ابو عبدالرحمن سلمی اخذ کردم و او از علی (ع) فرا گرفته است (خوئی - البیان ص ۱۳۰) و عاصم ذکر کرده است: من در هیچ چیز از قرائت با ابو عبدالرحمن سلمی مخالفت نکردم و او هم در هیچ چیز از قرائت با علی (ع) مخالفت نکرد (ذهبی، معرفة القراء ص ۹۲). سند قرائت عاصم به پیامبر گرامی اسلام، سند طلائی است که در قرائت سائر قراء، نظیر ندارد (معرفت، التمهید ۲/۲۳۴)

قرآء عشره:

احمد بن حسین بن مهران نیشابوری (۲۹۰-۳۸۱ ق) بعد از ابن مجاهد، قرائت سه تن

دیگر را به قراءت قرآء سبعة اضافه کرد که مجموعاً ده نفر شدند و قرآء عشره را تشکیل دادند. نام آنها عبارت است از:

- ۱- یزید بن قعقاع مخزومی مدنی (م ۱۳۰ ق) قراءت را عرضاً از مولای خود عبدالله بن عیاش بن ربیع و عبدالله بن عباس و ابوهریره فرا گرفت و برای او دوراوی بلاواسطه است که به ترتیب عبارتند از عیسی بن وردان (م ۱۶۰ ق) و سلیمان بن مسلم بن جمّاز (م ۱۷۰ ق).
- ۲- یعقوب بن اسحاق حضرمی بصری (م ۲۰۵ ق) قراءت را عرضاً از شهاب بن شرفه مجاشعی اخذ کرد، محمد بن متوکل بصری معروف به زویس (م ۳۳۸ ق) و روح بن عبدالمؤمن هذلی (م ۲۳۴ ق) راویان بلاواسطه او بودند
- ۳- خلف بن هشام بزاز بغدادی (اواز راویان حمزه است که شرح حالش گذشت) قراءت او را دو نفر روایت کرده اند که به ترتیب عبارتند از اسحاق بن ابراهیم (م ۲۸۶ ق) و ادیس بن عبدالکریم (م ۲۹۲ ق) (خوئی، البیان صص ۱۴۳ - ۱۴۷)

علم قرائت:

اولین علمی که میان مسلمین تگّون یافت، علم قراءت قرآن بود زیرا در آغاز اسلام مسلمانان فقط در پی فراگرفتن قرآن بودند.

علم قراءت عبارت است از معرفت به اختلافاتی که میان ائمه قرآء در الفاظ قرآن به حسب حروف، حرکات، سائر تغییرات از وصل، وقف، ادغام، اماله و عموم تصرفات در تلاوت و کمیّت نقله و روات آن واقع شده است (شمس‌الدین آملی، نفاثُ الفنون ۱/۴۹۴)، به بیان دیگر، علم قراءت یعنی آگاهی به چگونگی تلفظ کلمات قرآن و شناخت اختلاف آنها به حسب راویان (ابن الجزری، منجد المقرئین ص ۳)

موضوع علم قراءت، کلمات قرآن کریم از حیث حالات گوناگون مانند مدّ و قصر و نقل و غیره است.

هدف علم قراءت، شناسائی قراءت هر یک از ائمه قرآء است و فائده اش، صیانت قرآن مجید از تحریف و تغییر است. (دمیاطی، اتحاف فضلاء البشر ۱/۶۷)

پاره‌ای از اصطلاحات علم قراءت:

قراءت: اصطلاحاً به گونه ای خاص از تلاوت قرآن اطلاق می شود که حاکی از نص وحی الهی بر حسب اجتهاد یکی از قرآء معروف باشد (معرفت، علوم قرآنی ص ۱۸۲)، به عبارت دیگر، قراءت وقتی است که به یکی از ائمه منسوب گردد مانند قراءت نافع. روایت: هنگامی است که قراءت به راوی یکی از ائمه منسوب گردد مانند روایت قالون از نافع.

طریق: در موردی است که قراءت به راوی از راوی امام منسوب گردد مانند طریق ابی نسیط از قالون و او از نافع. (فضلی، القراءات القرآنیة ص ۷۳)
حاجی خلیفه در کشف الظنون از جعبری در شرح شاطیبه نقل کرده که گفته است: قرآء اصطلاح کرده اند که بگویند: قراءت از امام است و روایت از برای آخذ و گیرنده آن، مطلقاً چه بی واسطه و چه با واسطه و طریق از برای گیرنده از راوی می باشد برای اینکه منشأ اختلاف دانسته شود (کشف الظنون ۲/۲۸۴)

اقراء: آموزش دادن قراءت قرآن مجید است

مُقری: کسی است که عالم به قراءات مختلفه است و آنها را به طور شفاهی روایت می کند.
قاری مبتدی: کسی است که حداقل سه قراءت از قراءات را جدا جدا بداند
قاری منتهی: کسی است که اکثر قراءات را نقل می کند (ابن الجزری، منجد المقرئین ص ۳)

اصول القراءه، احکام عمومی در علم قراءت هستند که شامل همه کلمات قرآنی بر حسب موارد خود می شوند امثال ادغام، مد، قصر، احکام نون ساکنه و تنوین، فتح، اماله، وقف و مانند آنها

فروع القراءه یا فرش الحروف یک سلسله، احکام خاصی هستند که فقط به موارد جزئی از کلمات قرآن کریم محدود می شوند مانند نوع قراءتی که در سوره فاتحه روایت شده است مبنی بر این که عاصم و کسائی کلمه «مالک» را با الف و سائر قراء سبعة»

۱- برای آگاهی بیشتر درباره اصطلاحات علم قراءت به مقدمه جلد اول کتاب معجم القراءات القرآنیة رجوع شود..

مَلَك» و بدون الف قراءت کرده اند. (فضلی، القراءات القرآنیة ص ۱۲۶)، به عبارت دیگر به اختلاف قراءات در موارد خاص «فرش الحروف» می گویند.

اختلاف القراءه: قراءت یک کلمه یا آیه از قرآن مجید به چند وجه است مثلاً کلمه «وعبد الطاغوت» به ۲۲ وجه و کلمه «اف» به بیش از ۳۰ وجه قراءت شده اند (خوئی - البیان ص ۱۹۱)

تجوید قرآن: علمی است که در آن از شناسائی مخارج و صفات حروف و قواعد وقف و وصل و ضوابط نیکو خواندن قرآن بحث می شود و علم تجوید ناشی از علم قراءت است و ابومزاحم موسی بن عبید خاقانی بغدادی (م ۳۲۵ ق) نخستین کسی است که در این علم، کتاب نوشت (بیگری، سر البیان فی علم القرآن صص ۵۶ و ۱۴۴) عوامل پیدایش اختلاف قراءات

پس از یکسان سازی قراءات مصاحف که توسط عثمان برای هماهنگی قراءات انجام گرفت، مسلمانان دوباره گرفتار اختلاف در قراءت قرآن شدند، چند عامل در این باره مؤثر بوده است که ذیلاً به مهمترین آنها اشاره می شود:

۱- نبودن نقطه، اعراب، تنوین و تشدید در رسم الخط مصاحف عثمانی، در نوشتن میان س و ش، ب، ت و ث، ج، ح و خ، ص و ض، ط و ظ، ع و غ، ف و ق، ن و ی هیچ فرقی نبود.

رسم الخط هر مصحف به گونه ای بود که قراءت آن جز با تکیه بر حفظ قرآن امکان پذیر نبود، بسیاری از کلمات قابلیت قراءت به صور گوناگون را داشتند مثلاً کسائی قراءت کرده است: «ان جاءکم فاسق ببناء فْتَبْتُوا» در حالی که قراءت دیگران «.. فتبیتوا» (حجرات/۶) است.

در زمینه اختلافات ناشی از عدم اعراب می توان گفت که حمزه و کسائی آیه «قالَ اَعْلَمُ اَنَّ اللّٰهَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (بقره/ ۲۵۹) اعلم را به صیغه امر حاضر و دیگران به صیغه فعل مضارع متکلم قراءت کرده اند.

هم چنین کسائی در آیه « و اظهره الله عليه عرف بعضه» (تحریم ۳) عرف را به تخفیف «راء» خوانده و دیگران به تشدید آن خوانده اند.

۲- نبودن الف در وسط کلمات در رسم الخط مصاحف عثمانی، این امر در بسیاری از موارد منشأ اختلاف قرائت گردید مثلاً در مورد قرائت آیه « ملک يوم الدين » (الحمد/۴) بعضی مالک و بعضی مَلِک قرائت نموده اند

۳- وجود تفاوت لهجه در میان قبائل عرب، قرآن کریم به لهجه قریش نازل شد اما قاریانی که از دیگر قبائل بودند چه بسا قرآن را به لهجه خویش قرائت می کردند و همین امر باعث اختلاف قرائت می شد مثلاً کلمه «نستعین» که در لغت قریش و قیس واسد به فتح نون است در دیگر قبائل به کسر نون است و هم چنین در ادغام، اظهار، اشمام، مد، قصر، اماله، اثبات و حذف مانند استحیت و استحیت و غیره اختلاف داشتند (معرفت، التمهید ۱۲/۲- ۲۴)

۴- اعمال رأی و اجتهادات فردی صحابه و قاریان، راغب اصفهانی در محاضرات الادباء گفته است:

عبدالله بن عباس قرائت قرآن را به معنایش تجویز می کرد مثلاً به مردی قرآن می آموخت او نمی توانست کلمه « ائیم» از آیه « ان شجرة الزقوم طعام الاثیم» (دخان/ ۴۴) را درست ادا کند ابن عباس گفت بگو: طعام الفاجر و آیه: السارق و السارقة فاقطعوا ايديهما (مائده/ ۳۸) را تبدیل کرد و خواند فاقطعوا ايمانهما و عمر می خواند: غير المغضوب عليهم و غير الضالين و عبدالله بن زبیر می خواند: صراط من انعمت عليهم و ابوبکر خوانده است: جاءت سكرة الحق بالموت (محاضرات الادباء ۲/۴۳۴)، عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب تغییر و تبدیل کلمات مترادف به یکدیگر را جائز می شمردند و ابن مسعود می گفت: فرقی بین هلم و تعال نیست و به جای العهن المنفوش (قارعه ۹/۹) می خواند: الصوف المنفوش (معرفت، علوم قرآنی ص ۲۱۱)

هم چنین هر یک از قرآء به آراء خود در قرائت اعتماد میکردند و آنرا اختیار می نمودند اگر چه خلاف قرائت جمهور می بود.

در توجیه قراءات و علل انها کتب فراوانی نوشته شده است مثلاً ابن کثیر و ابوعمر و بصری آیه «فلا رث ولا فسوق و لا جدال فی الحج» (بقره ۱۹۷) را به تنوین و رفع خوانده اند و بقیه قرآء به فتح نون بدون تنوین خوانده اند، مکی بن طالب گفته، وجه قرائت

اولی این است: «لا» به معنی «لیس» است و خبر آن محذوف است و وجه قراءت دوم این است: «لا» برای نفی جنس هست و دلالتش بر نفی عموم است زیرا که در «لا» به معنی «لیس» فقط یکی را نفی می کند در حالی که مقصود از آیه، نفی عموم است نه نفی یکی. (معرفت، التمهید صص ۲۵، ۲۷)

مهمترین کتب علم قرائت:

اولین کسی که در جهان اسلام در علم قراءت قرآن کتاب تألیف نمود یحیی بن یعمر (م ۹۰ ق) بوده است^۱ (فضلی، القراءات القرآنیة ص ۲۷، سزگین، تاریخ نگارش های عربی ۳۷/۱) و بعد از آن تا کنون در این علم کتب فراوانی^۲ نوشته شده است اما مهمترین کتابهایی که در این باره تألیف شده و به چاپ رسیده عبارت است:

- ۱- السبعة فی القراءات نوشته ابوبکر احمد بن موسی بن عباس بن مجاهد مشهور به ابن مجاهد (م ۳۲۴ ق)
- ۲- مختصر فی شواذ القران تألیف حسین بن احمد بن خالویه (م ۳۷۰ ق)
- ۳- الحجّة للقراء السبعة نوشته ابوعلی حسن بن احمد فارسی (م ۳۷۷ ق)
- ۴- الغایة فی القراءات العشر نوشته ابوبکر احمد بن حسین بن مهران (م ۳۸۱ ق)
- ۵- المحتسب فی تبیین و جوه شواذ القراءات و الايضاح عنها تألیف ابو الفتح عثمان بن جنی (م ۳۹۲ ق)
- ۶- التذکره فی قراءات الثمان نوشته ابوالحسن طاهر بن عبدالمنعم مصری (م ۳۹۹ ق)
- ۷- حجة القراءات^۳ تألیف ابوزرعۀ عبدالرحمن بن محمد بن زنجلة (سال تألیف کتاب در حدود

۱- دکتر عبدالهادی فضلی در کتاب القراءات القرآنیة ص ۲۷ نام ۴۴ نفر را ذکر نموده است که از زمان یحیی بن یعمر (م ۹۰ ق) تا زمان ابن مجاهد (م ۳۲۴ ق) در قرائت قرآن کتاب تألیف کرده اند.

۲- حاجی خلیفه (۱۰۱۷ - ۱۰۶۷ق) در کشف الظنون ۲/۲۸۷ اسم ۱۵۰ کتاب در علم قراءت را آورده است.

۳- آقای دکتر محمد جواد شریعت کتابی به نام «چهارده روایت در قرائت قرآن مجید» بر اساس کتاب حجة القراءات ابوزرعۀ بن زنجلة و کتاب کشف الاسرار میبیدی و کتاب مجمع البیان شیخ طبرسی تألیف نموده است که از بهترین کتب در علم قراءت به زبان فارسی است.

(۴۰۳ق)

- ۸- الکشف عن وجوه القراءات السبع تألیف ابو محمد مکی بن طالب قرطبی اندلسی (م ۴۳۷ق)
- ۹- التبصرة فی القراءات نوشته ابو محمد مکی بن طالب قیسی قرطبی اندلسی (م ۴۳۷ق)
- ۱۰- التیسیر فی القراءات السبع^۱ نوشته حافظ ابو عمرو عثمان بن سعید دانی قرطبی اندلسی (م ۴۴۴ق)
- ۱۱- العنوان فی القراءات السبع تألیف ابوطاهر اسماعیل بن خلف انصاری اندلسی (م ۴۵۵ق)
- ۱۲- ارشاد المبتدی و تذکره المنتهی فی القراءات العشر تألیف ابو محمد بن حسن بن بندار واسطی (م ۵۲۱ق)
- ۱۳- الاقناع فی القراءات السبع نوشته ابو جعفر احمد بن احمد انصاری معروف به ابن بادش (م ۵۴۰ق)
- ۱۴- حرز الامانی و وجه التهانی فی القراءات السبع معروف به شاطیبه سروده ابو محمد قاسم بن فیره شاطبی ضریر^۲ (م ۵۹۰ق)
- ۱۵- جمال القراء و کمال الاقراء تألیف ابو الحسن علی بن محمد سخاوی (م ۶۶۳ق)
- ۱۶- معرفة القراء الکبار علی الطبقات والاعصار^۳ تألیف حافظ ابو عبدالله محمد بن احمد ذهبی دمشقی (م ۷۴۰ق)

۱- این کتاب از اصح کتب مؤلفه در علم قراءت قرآن است زرکشی در البرهان فی علوم القرآن ۳۱۸/۱ در این باره گفته است: بهترین و درست ترین اثری که درباره قراءات سبع فراهم آمده عبارت از کتاب التیسیر ابو عمرو دانی است.

۲- شاطبی قصیده خود را در بحر طویل (فَعَوَّلُنْ مَفَاعِلُنْ فَعَوَّلُنْ مَفَاعِلُنْ) براساس کتاب التیسیر ابو عمرو دانی به نظم در آورده است و قافیه اش لام مفتوحه است و عده ابیاتش ۱۱۷۳ بیت است. حاجی خلیفه در کشف الظنون ۵۰۲/۲، ۲۷ شرح و دکتر عبدالهادی فضلی در کتاب القراءات القرآنیة ص ۴۲، ۲۹ شرح و دکتر ایمن رشدی سوید در دیباچه کتاب العقد النضید فی شرح القصید، ۵۹ شرح را برای قصیده حرز الامانی نام برده اند. از زمان ابن مجاهد متوفای ۳۲۴ ق که کتاب السبعة فی القراءات را نوشت تا زمان شاطبی متوفای ۵۹۰ ق در قراءات هفتگانه ۳۹ کتاب تألیف شده است که اسامی آنها در دیباچه کتاب العقد النضید فی شرح القصید ص ۱۹ آمده است

۳- ذهبی در این کتاب، نام و مشخصات ۷۳۴ قاری تا قرن هشتم را در هیجده طبقه ذکر نموده است.

- ۱۷- غایه النهایه فی طبقات القراء^۱ تألیف حافظ امام شمس الدین ابوالخیر محمد بن محمد بن الجزری (م ۸۳۳ ق)
- ۱۸- النشر فی القراءات العشر نوشته امام شمس الدین محمد بن الجزری (م ۸۳۳ ق)
- ۱۹- طیبه النشر فی القراءات العشر^۲ سروده حافظ و مقرئ ابوالخیر ابن الجزری (م ۸۳۳ ق)
- ۲۰- لطائف الاشارات لفنون القراءات تألیف حافظ شهاب الدین ابوالعباس احمد بن محمد قسطلانی مصری (۹۲۳ ق)
- ۲۱- معجم القراءات القرانیة^۳ تألیف احمد مختار عمر و عبدالعال سالم مکرم (از نویسندگان معاصر)

حافظ و قرائت قرآن در چهارده روایت:

خواجه شمس الدین محمد شیرازی همانطوری که قبلاً ذکر شد، قرآن کریم را از برداشته است. و به همین جهت در اشعار خود به حافظ تخلص نموده است (مدرّس تبریزی، ریحانه الادب ۱۹۱/۲، معین، حافظ شیرین سخن ۱۱۶/۱). حافظ نیز بر طبق گفته گردآورنده دیوانش، مفسر قرآن بوده و کتاب کشف زمخشری را تدریس می نموده است (قزوینی، مقدمه دیوان حافظ صفحه «قو»). حافظ ملک القراء و استاد قراءت بوده است، در این باره علامه قزوینی در مقدمه ای که بر دیوان حافظ نوشته، ضمن معرفی یکی از نسخ قدیمی دیوان حافظ (نسخه نخجوانی) که در حدود سال ۸۵۰ ق کتابت شده گفته است: عین عبارت کاتب در آخر دیوان حافظ از قرار ذیل است:

« تمّ الديوان [کذا] المولى العالم الفاضل ملك القراء و افضل المتأخرين شمس الملئ و الدين مولانا محمد الحافظ روح الله روحه و اوصل فتوحه و نور مرقدہ بعون الله و الصلوة و السلام على خير خلقه محمد و آله اجمعين »

۱- طاش کپری زاده در مفتاح السعادة ۲۸۴/۱ در باره کتاب غایه النهایه گفته است: این کتاب نافع ترین کتاب در طبقات قراء است

۲- این کتاب منظومه یک هزار بیتی در علم قراءت است و عده ای از علما آنرا شرح کرده اند.

۳- این مکتوبه مفصل ترین نوشتاری است که در قراءات مختلفه قرآن مجید نوشته شده است. این معجم در ۸ مجلد توسط دانشگاه کویت در سال ۱۴۰۵ و ۱۴۰۸ ق چاپ و منتشر شده است.

سپس ایشان فرموده است: از القاب و نعوتی که این کاتب بسیار نزدیک به عصر خواجه و شاید معاصر خواجه در حق او نگاشته یعنی «المولی العالم الفاضل ملک القراء و افضل المتأخرین» بدون اینکه هیچ عبارتی دیگر دال بر اینکه وی از مشاهیر عرفا و صوفیه عصر خود بوده از قبیل قطب السالکین، فخر المتألهین، ذخر الاولیاء، شمس العرفاء، عارف معارف لاریبی، واقف مواقف اسرار غیبی، و امثال ذلک که در نسخ جدیده معمولاً بر اسم او می افزایند در حق او استعمال کرده باشد شاید بتوان استنباط کرد که خواجه در عصر خود بیشتر از زمره علما و فضلاء و دانشمندان به قلم می رفته تا از فرقه عرفا و صوفیه یعنی جنبه علم و فضل و ادب او بر جنبه عرفان و تصوف او غلبه داشته و علاوه برین از نعت «ملک القراء» که کاتب در حق او استعمال کرده به نحو وضوح معلوم می شود که خواجه از معاریف قراء عصر خود محسوب می شده و بهمین سمت مخصوصاً در زمان خود مشهور بوده و این بیت او که گوید:

عشقت رسد به فریاد گر خود بسان حافظ قرآن زبر بخوانی با چارده روایت^۱

و امثال این بیت که در دیوان او فراوان است بکلی در حق او صادق و به هیچ وجه این گونه تصریحات او از قبیل اغراق و مبالغه شاعرانه نبوده و تخلص «حافظ» یعنی (حافظ قرآن) بکلی اسم با مسمی و صفت بارزه او بوده است (مقدمه دیوان حافظ صفحه «عب».) مقصود حافظ از چارده روایت در بیت مذکور این است که او قرآن را مطابق چهارده روایت از قراء سبعة از حفظ، قراءت می کرده است و همانطوری که سابقاً گذشت هر یک از قاریان هفتگانه دو راوی معروف داشته اند که مجموعاً تعداد راویان قراء سبعة چهارده نفر می شوند و چهارده روایت و نقل را تشکیل می دهند.

اختلاف قراءت کلمات قرآن از ابتداء سورة فاتحه الكتاب تا انتهای سورة الناس بر طبق کتاب التیسیر فی القراءات السبع تألیف ابو عمرو عثمان بن سعید دانی اندلسی (۳۷۱ - ۴۴۰ ق)

۱- در بعضی از نسخ دیوان حافظ مصرع دوم بیت مذکور آمده: قرآن زبر بخوانی با چارده روایت، ممکن است در این صورت، عده ای از افراد تصور کنند که مراد حافظ از چارده روایت، چهارده حدیث و سخن از پیامبر گرامی اسلام و سائر بزرگان دینی است در حالی که این تصور، مقصود حافظ نیست و شارحان دیوان حافظ، چارده روایت را به معنای روایات راویان چهارده گانه از قرآن سبعة شرح نموده اند و الحق معنای صحیح مصرع فوق الذکر همین است که شارحان بیان کرده اند.

که از معتبر ترین منابع ثبت قراءات قاریان هفتگانه و راویان چهارده گانه آنان است در حدود ۱۱۰۰ مورد است. خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی به همه موارد اختلاف قراءات قرآ سبعة و راویانشان احاطه کامل داشته و قرآن مجید را با این مقدار اختلاف (۱۱۰۰ مورد) از حفظ، قراءت می نموده است فی المثل می دانسته است که حفص (راوی عاصم و به روایت از او) در آیه سیزدهم از سوره احزاب «لامقام لکم، را به ضم میم مقام خوانده است و بقیه یعنی ۱۳ راوی و ۶ قاری دیگر به فتح میم خوانده اند.

(خر مشاهی، چارده روایت ص ۲۶، حافظنامه ۴۴۸/۱، حافظ ص ۵۳، دانشنامه

قرآن ۸۸۴/۱ - ۸۷۴)

نتیجه گیری:

علم قراءت قرآن یکی از علوم رائج زمان خواجه شمس الدین محمد شیرازی بوده است او علاوه بر شاعری، مفسر و حافظ قرآن کریم بوده است او قاری یا حافظ ساده قرآن نبوده بلکه ملک القراء و استاد قراءت شناس زمان خود بوده است، او به همه وجوه اختلاف روایات چهارده گانه از قراءات قراء سبعة (ابن عامر دمشقی، ابن کثیر مکی، عاصم کوفی، ابو عمرو بصری، حمزه کوفی، نافع مدنی و کسائی) آگاهی کامل داشته است و قرآن را به روایتهای مذکور از برمی خوانده است، رحمة الله علیه رحمة واسعة

فهرست منابع

- ۱- القرآن الکریم
- ۲- ابن الجزری، محمد؛ منجد المقرئین و مرشد الطالبین، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۰ ق
- ۳- ابن الجزری، محمد؛ النشر فی القراءات العشر، تصحیح علی محمد ضباع، قاهره، بی تا
- ۴- ابونصر فراهی؛ نصاب الصبیان، تهران، انتشارات مجمع علمی اسلامی، ۱۴۰۲ ق
- ۵- بیگلری، حسن؛ سرال بیان فی علم القرآن، تهران، کتابخانه سنائی، بی تا
- ۶- حاجی خلیفه، مصطفی؛ کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۴ ق
- ۷- حافظ، محمد؛ دیوان اشعار، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران، کتابخانه زواری، ۱۳۲۰ ش
- ۸- حجتی، محمدباقر؛ پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰ ش
- ۹- حسن زاده آملی، حسن؛ هزار و یک نکته، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۴ ش
- ۱۰- حلبی، سمین؛ العقد النضید فی شرح القصید « شرح القصیده الشاطیبه فی القراءات السبع » تحقیق ایمن رشدی سوید، جدّه، دارنورالکتاب، ۱۴۲۲ ق.
- ۱۱- خرمشاهی، بهاءالدین؛ چارده روایت، تهران، کتاب پرواز، ۱۳۶۸ ش
- ۱۲- خرمشاهی، بهاءالدین؛ حافظ نامه، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳ ش
- ۱۳- خرمشاهی، بهاءالدین، حافظ، تهران، طرح نو، ۱۳۷۳ ش.
- ۱۴- خرمشاهی بهاءالدین؛ دانشنامه قرآن و قرآن پژوهشی، تهران، انتشارات دوستان، ۱۳۷۷ ش
- ۱۵- خوئی، ابوالقاسم؛ البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات کعبه، ۱۳۶۶ ش
- ۱۶- ابوعمرو دانی، عثمان؛ التیسیر فی القراءات السبع، تصحیح اوتو پرتزل، تهران، کتابفروشی جعفری تبریزی، ۱۳۶۲ ش
- ۱۷- دمیاطی، احمد؛ اتحاف فضلاء البشر، تحقیق شعبان محمد اسماعیل، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۰۷ ق

- ۱۸- ذهبی، محمد؛ معرفة القراء الكبار على الطبقات و الاعصار، تحقیق بشار عواد معروف، شعيب الارناؤوط و صالح مهدي عباس، بيروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۸ ق
- ۱۹- راغب اصفهانی، حسین؛ محاضرات الادباء، بيروت، دارمکتبه الحياه، بی تا
- ۲۰- زرکشی، محمد؛ البرهان فی علوم القرآن، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بيروت، دارالفکر، ۱۴۰۸ ق
- ۲۱- سبحانی، جعفر؛ فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش
- ۲۲- سزگین، فواد؛ تاریخ نگارش های عربی، ترجمه مهرازاننده، تهران، مؤسسه نشر فهرستگان، بی تا،
- ۲۳- سیوطی، جلال الدین؛ الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بيروت، المکتبه العصریه، ۱۴۰۸ ق
- ۲۴- شریعت، محمد جواد؛ چهارده روایت در قراءت قرآن مجید، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ ش
- ۲۵- شمس الدین آملی، محمد؛ نفائس الفنون، تصحیح علامه ابوالحسن شعرانی، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱ ش
- ۲۶- صبحی، صالح، مباحث فی علوم القرآن، بيروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۶۹ م
- ۲۷- طاش کپری زاده، احمد؛ مفتاح السعاده و مصباح السیاده فی موضوعات العلوم، قاهره، دارالکتب، بی تا.
- ۲۸- طباطبائی، محمد حسین؛ قرآن در اسلام، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۶۰ ش.
- ۲۹- مدرس تبریزی، محمد علی؛ ریحانه الادب، تهران، کتابفروشی خیام، ۱۳۶۹ ش
- ۳۰- مختار عمر، احمد و مکرم، عبدالعال سالم؛ معجم القراءات القرآنیة، کویت، دانشگاه کویت، ۱۴۰۸ ق
- ۳۱- معرفت، محمد هادی؛ التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۱ ق
- ۳۲- معرفت، محمد هادی؛ علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی « التمهید » ۱۳۷۸ ش
- ۳۳- معین، محمد؛ حافظ شیرین سخن، تهران، انتشارات معین، ۱۳۶۹ ش
- ۳۴- واقدی، محمد. المغازی تحقیق مارسدن جونس، بيروت، عالم الکتب، ۱۴۰۴ ق
- ۳۵- فضلی، عبدالهادی؛ القراءات القرآنیة، بيروت، دارالقلم، ۱۹۸۰ م